

امام علی (ع) و مصداق‌شناسی آیه «السابقون»

از منظر فریقین و پاسخ به شبهات

هاشم اندیشه *

چکیده

آیه 10 سوره مبارکه واقعه، به آیه «السابقون» معروف است که درباره سبقت و پیشی گرفتن امام علی (ع) و اهل بیت (ع) از منظر شیعه و دیگر افراد همچون صحابه پیامبر (ص) از دیدگاه اهل سنت در ایمان و عمل و ورود به بهشت است. روایات فریقین حاکی از آن است که مقصود از «السابقون» در این آیه باز هم دقیقاً مشخص نیست. نوشتار حاضر با تمرکز بر موضوع امام علی (ع) و مصداق‌شناسی آیه «السابقون» از منظر فریقین و پاسخ به شبهات به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل موضوع پرداخته است. از این رو نخست به شأن نزول آیه و سپس به بررسی آراء گوناگون پیرامون آیه مذکور از منظر فریقین و در ادامه به بررسی مصادیق آیه مبارکه از دیدگاه اندیشمندان شیعه و تسنن پرداخته و در انتها، به بیان شبهات پیرامون این آیه و پاسخ بدان‌ها اشاره داشته و نشان داده است که مصداق نهایی آیه سابقون در کتب فریقین امام علی (ع) می‌باشد.

کلیدواژگان: امام علی (ع)، سوره واقعه، آیه السابقون، مصداق‌شناسی، فریقین.

* دانشجوی دکتری دانشکده اصول الدین قم؛ hashem.andisheh@gmail.com

مقدمه

طبق نظر اندیشمندان و علما و مفسران شیعه و سنی، مصادیق آیه «سابقون»⁷ در قرآن، افراد مختلفی هستند (قمی، 1404ق: 2/ 412؛ طبرسی، 2005م: 9/ 206 و 323؛ فیض کاشانی، 1415ق: 6/ 118؛ عروسی حویزی، 1415ق: 5/ 225؛ طباطبایی، 1417ق: 19/ 14؛ مکارم شیرازی، 1374: 23/ 205). «سابقون» کسانی هستند که در نعمت‌های بی‌پایان و گوناگون بهشت از جمله خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های پاکیزه و لذیذ (واقعه/ 18-21) با همسران پاکیزه و زیبا و دلنشین به سر می‌برند (واقعه/ 22 و 23). اصحاب المیمنه نیز در باغ‌هایی سرشار از انواع میوه‌ها که به‌آسانی در دسترس آنان هستند و هیچ‌گونه زوالی ندارند به سر می‌برند (واقعه/ 28 - 33) و با همسرانی بلندمرتبه که بس یار عشق‌ورز و بامحبتند در بهشت به کامیابی مشغولند (واقعه/ 34 - 37).

روایات فریقین حاکی از آن است که مقصود از «السابقون» در این آیه شخصیت‌های گوناگونی هستند (صدوق، 1404ق: 2/ 31؛ شیخ طوسی، 1414ق: 1/ 70؛ طبرسی، 2005م: 9/ 215؛ سیوطی، 1993م: 6/ 154؛ عروسی حویزی، 1415ق: 5/ 206؛ آلوسی، بی‌تا: 27/ 132) و بعضی منظور از «السابقون» را امامان معصوم (ع) و شیعیان آن بزرگواران (ع) و برخی صحابه را، در ایمان و عمل و ورود به بهشت، می‌دانند (صدوق، 1404ق: 2/ 31؛ شیخ طوسی، 1414ق: 1/ 70؛ سیوطی، 1993م: 6/ 154؛ آلوسی، بی‌تا: 27/ 132).

نوشتار حاضر در پی پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- آیا مقصود از «السابقون» امام علی (ع) و فرزندان‌شان (ع) است؟
- آیا منظور از «السابقون» همان صحابه پیامبر (ص) است؟
- مفسران و روایات درباره «السابقون» چه کسی را مد نظر قرار داده‌اند؟

7. «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقعه/ 10 و 11).

از این رو به نظر می‌رسد بهترین روش برای استنباط آیه «السابقون» از منظر فریقین با رویکردی تفسیری، روش تفسیری- استنباطی است که البته می‌تواند دامنه وسیعی داشته باشد و حتی روش تحلیل مفهومی متداول را نیز شامل شود. تفصیل این روش در کتاب‌های تفسیری و علوم قرآن و کتب حدیثی آمده و بسته به تنوع دیدگاه‌های اشخاص، متنوع است. برای استنباط گزاره‌های تفسیری و دینی و ... از این متون، از تفسیر متن و تحلیل گفتار استفاده می‌شود.

به‌منظور تفسیر گفتار، 1. دست یافتن به فهم متن و 2. دریافت مقصود اصلی متن، لازم است. برای منظور اول نیاز است که نخست مفاهیم متن به‌طور دقیق بررسی گردند و برای منظور دوم نیاز است که گزینه‌هایی که در مورد متن وجود دارد، واکاوی شود. از این رو در این نوشتار هر آنچه به فهم متن کمک می‌کند و در فهم آن مؤثر باشد، بررسی می‌گردد. بررسی‌های انجام شده در خصوص محور نوشتار حاضر نشان داد آثار پدید آمده درباره این آیه را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

دسته نخست: تفاسیری که مفسران، آیه را ذکر نموده و با آیات دیگر و روایات پیرامون آیه، در ذیل آن آیه، به تفسیر آن پرداخته‌اند؛ مانند: قمی، 1404ق: 2/ 412؛ طبرسی، 2005م: 9/ 206، 215، 323؛ 24/ 138؛ فیض کاشانی، 1415ق: 6/ 118؛ عروسی حویزی، 1415ق: 5/ 225، 206؛ سیوطی، 1993م: 6/ 154؛ آلوسی، بی‌تا: 27/ 132؛ طباطبایی، 1417ق: 19/ 14، 200-202؛ مکارم شیرازی، 1374: 18/ 264؛ 23/ 204، 205، 207. دسته دوم: معمولاً کتب و اسناد روایی یا غیرروایی هستند که آیات و روایات مربوط به اهل بیت (ع) هم در آن کتب و اسناد، مورد بررسی قرار داده شده و آیه مورد نظر نیز در کنار سایر آیات، مورد بحث قرار گرفته است. آثاری همچون: کلینی، 1417ق: 2/ 63؛ صدوق، 1404ق: 2/ 31؛ مفید، 1413ق: 1/ 193؛ طوسی، 1414ق: 1/ 70، 126/ 2؛ 143؛ طبرسی، 1416ق: 1/ 84؛ حر عاملی، 1414ق: 27/ 146؛ مجلسی، 1403ق: 10/ 140؛ 102/ 50).

دسته سوم: مقالاتی درباره آیه مورد نظر هستند که می‌توان به مقاله «بررسی آیه (ثله من الاولین* و قلیل من الاخرین)» از مهدی مطیع و محسن خالقی و پیمان کمالوند و مقاله «بررسی برخی آیات متناقض‌نما در قرآن حکیم» از مهدی موسوی و مقاله «اولیات علی (ع)» از حجت‌الاسلام محمود درخشانی اشاره کرد.

در خصوص شأن نزول این آیه نیز باید گفت مفسران امامیه به اتفاق آراء، نزول این آیه را درباره امام علی (ع) می‌دانند (قمی، 1404ق: 2/412؛ طبرسی، 2005م: 9/206، 323) و برخی محدثان و مفسران شیعه، در این باره، روایاتی از رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) نقل کرده‌اند (طوسی، 1414ق: 1/70؛ فتال نیشابوری، 1381: 105؛ طبرسی، 2005م: 9/215). شایان ذکر است که مفسران اهل سنت در شأن نزول آیه دچار تفرقه بوده و چندین شأن نزول در خصوص آن ذکر کرده‌اند.

مفهوم‌شناسی

«سبق» به معنای تقدم است. این لغت در ابتدا به معنای تقدم در سیر اطلاق می‌گردد و در آیاتی مانند نازعات/ 4 و یوسف/ 17، 25 در این معنا استعمال شده است، اما به تدریج بر جنبه‌هایی دیگر، از جمله سبقت در انجام کارهای نیک و صالح اطلاق گردید که در آیات واقعه/ 10 و آل عمران/ 114 به این معنا به کار رفته است (راغب اصفهانی، 1383: 395؛ طباطبایی، 1417ق: 19/290).

آراء گوناگون پیرامون آیه «و السابقون السابقون»

1- سابقون در ایمان و خیرات و جنت

علامه طباطبایی معتقد است در قرآن کریم آیه‌ای که صلاحیت تفسیر «السابقون» اول را داشته باشد آیات شریفه 32 سوره فاطر و 148 سوره بقره و 61 سوره مؤمنون است که از آنها چنین استنباط می‌شود که مراد از «سابقون» کسانی هستند که در ایمان و خیرات سبقت می‌گیرند و قهراً نیز وقتی به اعمال خیر سبقت می‌گیرند، به مغفرت و رحمتی هم

که در ازای آن اعمال است پیشی خواهند گرفت؛ لذا در آیه 21 سوره حدید به جای امر به سبقت در اعمال خیر، دستور داده شده به مغفرت و جنت سبقت گیرند. پس سابقون به خیرات، سابقون به رحمت و مغفرتند و در آیه مورد نظر هم که می‌فرماید: «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» مراد از سابقون اول، سابقین به خیرات و مراد از سابقون دوم، سابقین به اثر خیرات یعنی مغفرت و رحمت است و به‌گفته علامه طباطبایی مبتدا و خبرند (طباطبایی، 1417ق: 198/19 - 200؛ مکارم شیرازی، 1374: 205/23).

2- برابر بودن سابقون اول و دوم

طبرسی و آلوسی معتقدند مراد از سابقون دوم نیز همان سابقون اول است و دومی تأکید اولی است و آیه بعدی یعنی «أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقعه/ 11) خبر مبتدا واقع می‌شود (طبرسی، 2005م: 138/24؛ آلوسی، بی‌تا: 132/27).

3- سابقین به توبه و کارهای خوب

سعید بن جبیر معتقد است مراد این آیه، سابقین به توبه و سابقین به اعمال و کارهای خوب است (طبرسی، 2005م: 325/9؛ 138/24).

4- سابقین دوم بهتر از سابقون اول و مؤکد بر آن

مطابق نقل شیخ طوسی، جبائی بر این اعتقاد است که سابقون دوم بهتر از سابقون اول است و ممکن است که دومی تأکید برای اول باشد (طوسی، 1409ق: 490/9).

مصادیق «السابقون»

از مهمترین مباحثی که در آیه مورد نظر، توجه صاحب‌نظران را به خود معطوف داشته، مسئله مصادیق «السابقون» است. در این خصوص دو دیدگاه کلی مطرح است. مفسران امامیه معتقدند معرفی مصادیق «السابقون» از سوی خداوند تعیین شده و توسط رسول خدا (ص) معرفی گشته است. اما مفسران اهل سنت معتقدند تعیین مصادیق «السابقون» به‌دست خود

مسلمانان است و بر همین اساس، هر یک از آنان، فرد یا افرادی را به عنوان مصادیق «السابقون» تعیین و معرفی کرده‌اند که در ادامه به بیان و بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

1- مصادیق «السابقون» در دیدگاه مفسران امامیه

1. پیامبر اسلام (ص): در روایتی، پیامبر اسلام (ص)، وجود مبارک خود را، مقصود آیه دانسته و خود را بهترین سابقان می‌خوانند (طبرسی، 2005م: 215 / 5؛ 224 / 23؛ فیض کاشانی، 1415ق: 120 / 5).

2. پیامبران و پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع): در حدیثی پیامبر (ص)، سابقون را انبیا (ع) و برترین آنها را وجود اعظم خود و برترین اوصیاء را امام علی (ع) معرفی می‌کنند (عروسی حویزی، 1415ق: 210 / 5؛ لاهیجی، 1390: 4 / 352).

3. امام علی (ع): شیعه امامیه به اتفاق و به پیروی از روایات پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، مصداق «السابقون» را امام علی (ع) دانسته‌اند (قمی، 1404ق: 412 / 2؛ کوفی، 1410ق: 464 و 463) و برخی مفسران شیعه، در این باره، روایاتی از رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) نقل کرده‌اند (فتال نیشابوری، 1381: 105؛ طبرسی، 2005م: 215 / 9) و از ابن عباس نقل شده که امام علی (ع)، سابق امت اسلامی، است (حسینی، 1409ق: 1 / 619) و حسینی با تکیه بر احادیث، مصادیق سبقتی که در ذیل ذکر می‌شود را فقط خاص امام علی (ع) دانسته است (شاه عبدالعظیمی، تفسیر 1363: 12 / 449).

4. سه پیشگام امت‌های گوناگون حزقیل و حبیب نجار و علی بن ابی طالب (ع): عده‌ای از مفسران معتقدند این آیه درباره حزقیل مؤمن آل فرعون و حبیب نجار (که داستانش در سوره یس آمده) و علی بن ابی طالب (ع) نازل شده است که هر یک پیشگام امت خود بوده‌اند، و علی (ع) از همه آنان برتر است (کوفی، 1410ق: 465؛ طباطبایی، 1417ق: 19 / 201-198).

5. چهار پیشگام گوناگون هابیل و حزقیل و حبیب نجار و علی بن ابی طالب (ع): از امام باقر (ع) و همچنین از امام صادق (ع) نیز حدیثی با همین مضمون نقل شده است که

سابقین را چهار کس معرفی کرده‌اند: اول، پسر آدم (هابیل)، که به دست برادرش کشته شد و دوم، پیشگام امت موسی (ع) یعنی همان مؤمن آل فرعون (حزقیل) و سوم، پیشگام امت عیسی (ع) یعنی حبیب نجار و چهارم، پیشگام امت اسلام یعنی علی بن ابی طالب (ع) (کوفی، 1410ق: 465؛ طبرسی، 2005م: 5/215؛ کاشانی، 1336: 9/141).

6. امامان معصوم (ع): بعضی از امامان معصوم (ع) نیز از نزول آیه درباره خودشان سخن گفته‌اند و خیثمه جعفری از امام صادق (ع) چنین نقل کرده است که «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» و «آخرون» در آیه «وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ» منظور ائمه اطهار (ع) هستند (فیض کاشانی، 1415ق: 5/121؛ مشهدی، 1368: 19/13).

7. امام علی (ع) و فرزندانش (ع) و شهدا: در تعدادی از اخبار و احادیث، عبارت «سابق بالخیرات»، به ائمه بزرگوار، امام علی (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و شهیدان آل محمد (ص) تفسیر شده است (مکارم شیرازی، 1374: 18/263).

8. چهارده معصوم (ع): برخی احادیث، چهارده معصوم (ع) را مصادیق سابقون معرفی می‌کنند (کوفی، 1410ق: 464).

9. امام زمان (عج): دسته‌ای از اخبار و احادیث، امام زمان (عج) را مصداق السابقون می‌شناسند (همان، 465).

10. نه فرزند امام حسین (ع): برخی معتقدند مصداق سابقون، نه فرزند امام حسین (ع) می‌باشند (بحرانی، 1417ق: 5/255).

11. حاضرین در عالم ذر (پیامبر (ص) و چهارده معصوم (ع) و شیعیان آنها): بخشی از احادیث، سابقون را کسانی می‌دانند که در عالم ذر از نخستین افرادی بودند که به فرمان الهی وارد آتش الهی شدند؛ اولین آنها پیامبر (ص) و سپس امیرالمؤمنین (ع) و به ترتیب

امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و نه فرزند امام حسین (ع) تک به تک و بعد از ایشان، شیعیان آنان بودند (بحرانی، 1417ق: 5/ 255).

12. امام علی (ع) و امامان معصوم (ع) و شیعیان: دسته‌ای از روایات، مصداق «السابقون» را امامان معصوم (ع) و شیعیان ایشان در ایمان و عمل و ورود به بهشت معرفی کرده‌اند (عروسی حویزی، 1415ق: 5/ 210، 206).

13. شیعیان امام علی (ع): در حدیثی از امام صادق (ع) در خطاب به شیعیان خود، نقل شده که شیعیان، سابقون نخستین و سابقون آخرین هستند، چون در دنیا پیشگام در ولایت اهل بیت (ع) بوده‌اند و در آخرت پیشگام در بهشت هستند (فیض کاشانی، 1415ق: 5/ 121).

14. پیامبر اکرم (ص) و علی بن ابی طالب (ع) و جعفر بن ابی طالب و حمزه بن عبدالمطلب: روایاتی سابقون را طبق معرفی پیامبر (ص)، وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) که برتر از همگانند و علی بن ابی طالب به‌عنوان سیدالوصیین و جعفر بن ابی طالب که دارای دو بال است که به طرف بهشت پرواز می‌کند و حمزه بن عبدالمطلب، دارای لقب سیدالشهداء می‌باشد، معرفی می‌کنند (قمی، 1404ق: 2/ 348؛ بروجردی، 1366: 7/ 39).

15. صحابه و یاران پیامبر (ص) و امام علی (ع) و معصومان (ع): در برخی احادیث معصومان (ع)، برخی از یاران خود را در ردیف سابقین برشمرده‌اند؛ چنانکه امام علی (ع) پنج تن از صحابه پیامبر (ص) از جمله خودش، سلمان فارسی، صهیب، بلال حبشی و خباب ارت را چنین خوانده است (فتال نیشابوری، 1381: 2/ 290؛ کاشانی، بی تا: 3/ 1454).

16. پیروان پیامبران: افرادی همانند جبائی، سبقت‌گیرندگان راه، پیروان پیامبرانی معرفی می‌کنند که توسط ایشان هدایت شده‌اند؛ ایشان سبقت‌گیرندگان به نزد خدا و دارای پاداش بسیاری هستند. همچنین سابقین را به سابقین به طاعت خدا، سابقین به رحمت او و سابق به کارهای خوب دانسته که البته افضل و بالاتر از دیگرانند برای آنکه در کارهای خیر اقتدا به ایشان می‌شود و از این رو برای پیروان تابعین را نیز می‌توان از سابقین تشخیص داد، بنابراین

سابقین دوم بهتر از سابقون اول است و ممکن است که دومی تأکید برای اولی باشد (طبرسی، 2005م: 138/24؛ طباطبایی، 1417ق: 19/198-200).

17. انبیاء (ع): در برخی تفاسیر و اسناد حدیثی، سابقون را انبیاء الهی برشمرده‌اند که پیشگامان اهل هر دینند (فیض کاشانی، 1418ق: 2/1252؛ سبزواری، 1419ق: 539).

18. پیامبران مرسل و غیرمرسل: در بعضی از روایات، مصداق سابقون نیز به پیامبران مرسل و غیرمرسل تفسیر شده است (عروسی حویزی، 1415ق: 5/206؛ مشهدی، 1368: 16/13).

19. پاکان و معصومین و خاصان و برگزیدگان مؤمنان: گروهی معتقدند سابقون از خاصان و برگزیدگان مؤمنان هستند که مقامی بس والا دارند و شاهد و ناظر نامه اعمال ابرار و نیکان دیگر هستند (کاشانی، 1336: 9/141؛ مکارم شیرازی، 1374: 26/273).

20. پیامبران (ع) و خاصان و مؤمنان: در حدیثی که جابر جعفی از امام صادق (ع) نقل می‌کند، پیامبران (ع) و مخصوصین درگاه و مؤمنین از مصادیق سابقون به‌شمار آمده‌اند که خدا در ایشان پنج روح قرار داده است: (1) ایشان را به روح القدس مؤید ساخته تا به‌وسیله آن همه چیز را بدانند و بشناسند. (2) ایشان را با روح ایمان مؤید ساخته تا با آن از خدای عزوجل بترسند. (3) آنها را به روح قوه مؤید ساخته تا با آن بر اطاعت خدا توانایی یابند. (4) آنها را به روح شهوت (میل و اشتها) مؤید ساخته تا با آن اطاعت خدا را بخواهند و از نافرمانیش کراهت کنند. (5) در ایشان روح حرکت نهاده که تا با آن با مردم رفت و آمد کنند (فیض کاشانی، 1415ق: 5/120؛ مشهدی، 1368: 16/13).

21. حضرت علی (ع) و حضرت خدیجه (س): طبق قرائن تاریخی، برخی از اندیشمندان مسلمان معتقدند که منظور از سابقون، اولین مرد مسلمان، یعنی حضرت علی (ع) و نخستین زن مسلمان یعنی حضرت خدیجه (س) است (طبرسی، 2005م: 9/359).

22. سابقین تمام کارهای خیر: ابن کیسان معتقد است منظور سابقین به هر چیزی است که خدا دعوت به سوی آن نموده و این بهتر است برای آنکه شامل تمام کارهای خیر می شود (همان، 138 / 24).
23. سبقت گیرندگان به نماز و هجرت و اسلام و جهاد: برخی معتقدند که سابقین آنهایی هستند که در مکه مسلمان شده و بعد از هجرت رسول خدا (ص) هجرت کرده اند و یا نمازگزاران به دو قبله و یا سبقت گیرندگان به اسلام و جهاد می باشند (طبرسی، 2005م: 138 / 24)؛ که برخی آنها را حمل بر تمثیل می کنند و یا بی ربط به آیه می دانند (رازی، 1371: 298 / 18).
24. سبقت گیرندگان در نمازهای پنجگانه: روایتی به نقل از امام علی (ع) منظور آیه را سبقت گیرندگان در نمازهای پنجگانه معرفی می کند (مشهدی، 1368: 19 / 13)؛ که برخی آن را حمل بر تمثیل می کنند (طباطبایی، 1417ق: 198-200).
25. پیشی گیرندگان در دنیا و آخرت: دسته ای همانند عروه بن زبیر معتقدند که منظور پیشی - گیرندگان در دنیا و آخرت هستند (طبرسی، 2005م: 138 / 24).
26. واردشوندگان بدون حساب به بهشت: بعضی در تفاسیرشان چنین آورده اند که السابقون کسانی هستند که بدون حساب وارد بهشت می شوند (قمی، 1404ق: 346 / 2؛ فیض کاشانی، 1415ق: 120 / 5).
27. اهل قرآن: تعدادی از مفسران، سابقین را اهل قرآن می دانند (جرجانی، بی تا: 9 / 345؛ شاه عبدالعظیمی، 1363: 448 / 12).
28. سبقت گیرندگان در جمیع مأموریت های الهی: گروهی از مفسران، سبقت گیرندگان در جمیع مأموریت های الهی را مصداق آیه می دانند (شاه عبدالعظیمی، 1363: 448 / 12).

29. سبقت‌گیرندگان در حیات علوم و فضایل و کمالات: برخی مصداق آیه را کسانی می‌دانند که در حیات علوم و فضایل و کمالات سبقت می‌گیرند و حق تعالی از علو رفعت و مقام آنان خبر داده است (همان، 449/12).

30. ایمان به خدا و آخرت و خضوع و جلب رضایت خدا: برخی، اوصاف و ویژگی‌های سابقون مانند ایمان به خدا و عدم شرک به او و ایمان به آخرت و خضوع و خشوع مخلصانه در برابر خدا و جلب و طلب رضایت او را از مصادیق سابقون برشمرده‌اند (جرجانی، بی‌تا: 346/9؛ مغنیه، 1424ق: 221/7).

2- مصادیق «السابقون» در آراء مفسران اهل سنت

مفسران اهل سنت در تعیین مصداق «السابقون» دچار تفرقه بوده و دیدگاه‌های متفاوتی بیان داشته‌اند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

1. امام علی (ع): دسته‌ای مصداق «السابقون» را امام علی (ع) دانسته‌اند و روایاتی را در این باب، از پیامبر (ص) و صحابه ذکر کرده‌اند (ابن کثیر، 1401ق: 28/4؛ سیوطی، 1993م: 154/6؛ آلوسی، بی‌تا: 132/27، 114).

2. انبیاء (ع): در برخی تفاسیر، سابقون را انبیاء الهی برشمرده‌اند که پیشگامان اهل هر دینند (بیضاوی، بی‌تا: 178/5).

3. چهار پیشرو امت‌های گوناگون هابیل یا خلیفه اول و حزقیل و حبیب نجار و علی بن ابی طالب (ع): ابن عباس سابقین را چهار کس معرفی می‌کند: اول، پسر آدم (هابیل)، که به دست برادرش کشته شد، دوم، پیشگام امت موسی (ع) که همان مؤمن آل فرعون (حزقیل) است، سوم، پیشگام امت عیسی (ع)، یعنی حبیب نجار و چهارم پیشگام امت اسلام، یعنی علی بن ابی طالب (ع) (کاشفی، 1317: 1207؛ حقی، بی‌تا: 319/9).

4. امام علی (ع) و خلفای راشدین: دسته‌ای از تفاسیر اهل سنت، خلفای راشدین من جمله امام علی (ع) را از مصادیق سابقون می‌دانند (حقی، بی‌تا: 320/9).

5. برخی صحابه: بعضی چنین تفسیر کرده‌اند که منظور سابقون اولون به اسلام یعنی برخی صحابه هستند (ابن عطیه، 1413ق: 3/303).
6. واردشوندگان به مسجد و خارج‌شوندگان از آن: برخی مصادیق سابقون را کسانی دانسته‌اند که زودتر وارد مسجد می‌شوند و دیرتر از آن خارج می‌شوند (طبری، 1405ق: 27/99).
7. اهل علم: عده‌ای برخی از اهل علم را از مصادیق سابقون می‌دانند (ثعالبی، بی‌تا: 5/362).
8. اهل قرآن: عده‌ای از مفسران، سابقین را اهل قرآن می‌دانند (خازن، 1415ق: 4/235).
9. ثابت قدمان در دین: برخی از دیگر مصادیق سابقین را اشخاصی دانسته‌اند که ثابت قدم در دین هستند (قشیری نیشابوری شافعی، 1420ق: 3/519).
10. واردشوندگان بدون حساب به بهشت: بعضی در تفسیرشان آورده‌اند که «السابقون» کسانی هستند که بدون حساب وارد بهشت می‌شوند (نووی، 1417ق: 2/482).
11. دارندگان خیرات در دنیا و درجات در آخرت: جمعی «وَالسَّابِقُونَ» اول را سابقون به خیرات در دنیا و «السَّابِقُونَ» دوم را اشاره به درجات ایشان در آخرت تفسیر کرده‌اند (همان).
12. پیشتاز در اسلام از منظر فریقین: ابن‌عربی بر این نظر است که سابقون، افرادی هستند که در فریقین، پیشتاز در اسلام و از دنیا گذر کرده و به لقا الله رسیده و وصف‌ناشدنی هستند (همان).
13. سبقت‌جویندگان در همه امور خیر: عده‌ای معتقدند اگر بعضی مفسران، پیشگام بودن سابقون را تنها به سبقت در طاعة الله (اطاعت خدا)، نمازهای پنجگانه، جهاد، هجرت یا توبه و امثال آن تفسیر کرده‌اند، هر کدام گوشه‌ای از این مفهوم وسیع را مورد توجه قرار داده‌اند، و همه این کلمات خیرات و برکات را شامل می‌شوند (همان، تفسیر، 6/8).
14. سابقین به نماز و هجرت و اسلام و جهاد: برخی معتقدند که سابقین آنهایی هستند که در مکه مسلمان شده و بعد از هجرت رسول خدا (ص) هجرت کرده‌اند و یا نمازگزاران به دو قبله و یا سبقت‌گیرندگان به اسلام و جهاد می‌باشند (ثعلبی نیشابوری، 1422ق: 9/202).

15. سابقین در نمازهای پنجگانه: عده‌ای از مفسران به نقل از امام علی (ع)، منظور آیه را سبقت‌گیرندگان در نمازهای پنجگانه معرفی کرده‌اند (آلوسی، بی‌تا: 132/27).
16. سبقت در حیات علوم و فضایل و کمالات: برخی مصداق آیه را کسانی می‌دانند که در حیات علوم و فضایل و کمالات سبقت جسته‌اند و حق تعالی از علو رفعت و مقام آنان خبر داده است (بیضاوی، بی‌تا: 178/5).
17. سابقون هر امتی: برخی بر این اعتقادند که مصداق سابقون، سابقون هر امتی هستند (همان).

ارزیابی مصادیق یاد شده سابقون

حقانیت هر یک از احتمالاتی که در بیان مصادیق سابقون ذکر شده، در گرو تأیید آن توسط قرآن و سنت پیامبر (ص) است. در منابع معتبر اسلامی، از جمله در آثار اندیشمندان اهل سنت، اسناد و مدارکی به چشم می‌خورد که صحت احتمالات مفسران اهل سنت را در تعیین برخی مصادیق سابقون با تردید مواجه می‌سازد.

شایان ذکر است که موارد اول و دوم را می‌توان از مصادیق صحیح و درست پیرامون این آیه مبارکه به‌شمار آورد. همچنین می‌توان اقوال ششم تا هفدهم را از اوصاف حضرت علی (ع) و سبقت آن حضرت (ع) در این موارد، طبق مستندات اهل سنت، دانست. بسیاری از اصحاب، روایت‌های بی‌شماری را در فضایل امام علی (ع) نقل کرده‌اند تا آنجا که گفته‌اند: «فضایلی که برای علی (ع) شمارش شده به اندازه‌ای است که برای هیچ یک از صحابه پیغمبر (ص)، آنچنان فضایلی، ذکر نشده است» (حاکم نیشابوری، 1406ق: 3/107؛ حسکانی، بی‌تا: 19/1؛ خوارزمی، 1411ق: 3/19؛ ابن عساکر، 1415ق: 3/63؛ هیثمی، 1385: 72). قاضی اسماعیل و نسایی و ابوعلی نیشابوری نیز می‌گویند: «روایت‌هایی با سندهای درست «سند حسن» در حق هیچ یک از اصحاب نیامده است، جز آنچه در حق علی (ع) آمده است» (طبری، محب‌الدین، بی‌تا: 82/2).

در روایت دیگری از ابن عباس آمده است آیاتی که در قرآن مجید در منزلت حضرت علی (ع) گفته شده، درباره هیچ کدام از اصحاب پیامبر (ص) نازل نشده است. از عمر روایت شده که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: هیچ شخصی به اندازه علی (ع) به تحصیل فضیلت‌ها نایل نیامده است؛ فضیلت‌های آن حضرت (ع) به مقداری است که هر فردی به اصل آنها برسد، او را به طریق حقیقت و راست هدایت می‌کند و از گمراهی نجات می‌دهد (همان، 214 / 2).

- امام علی (ع)، جامع فضایل پیامبران اولوالعزم (خوارزمی، 1411ق: ص 32).

- امام علی (ع) نخستین مسلمان (ابن حجر عسقلانی، 1415ق: 357 / 2 و 358).

- عدم شرک‌ورزی امام علی (ع) (قندوزی، بی تا: 386/2).

- علم امام علی (ع) (خوارزمی، 1411ق: 36).

- امامت حضرت علی (ع) (حاکم نیشابوری، 1406ق: 124 / 3).

- نماز امیرمؤمنان (ع) (بخاری جعفری، 1407ق: 327 / 3).

- علی (ع) بهترین مردم (ابن عساکر، 1415ق: 284 / 45).

- ثبات قدم امام علی (ع) (ابن هشام، 1411ق: 29 / 2؛ ابن حنبل، بی تا: 348 / 1).

اما در رابطه با موارد دیگر که اهل سنت، سابقین در مسلمانی را خلیفه اول و یا خلیفه دوم و یا سه خلیفه نخست یا صحابه دانسته‌اند، این در حالی است که منابع ایشان، پیشرو و سابق بودن امام علی (ع) را در امت اسلامی، در احادیث مختلفی تأیید کرده (ابن مغازلی، 1426ق: 320؛ سیوطی، 1993م: 154/6) و از امام علی (ع) با عنوان نخستین مرد مسلمان و سابق و پیشرو در اسلام یاد می‌کنند (صنعانی، 1403ق: 227 / 11؛ ترمذی، 1403ق: 5 / 306؛ نسائی، 1411ق: 44 / 5 و 106؛ طبرانی، 1404ق: 21 / 11؛ بیهقی، 1414ق: 6 / 207؛ ابن عبد البر، 1387: 305 / 2؛ متقی هندی، 1419ق: 122 / 13؛ مبارکفوری، 1410ق: 10 / 164). از این رو می‌توان گفت اکثر علمای اهل سنت و تمام علمای شیعه در اینکه امام علی (ع) نخستین مسلمان و مؤمن به پیامبر (ص) بوده است متفق‌القولند و نظر عده‌ی قلیلی از

علمای اهل سنت بر این است که نخستین مسلمان و سابق خلیفه اول و دوم هستند، بنیان و اساس منطقی و تاریخی و تفسیری ندارد (نیکزاد، 1383: ذیل آیه السابقون). پیرامون اقوالی که برخی از اصحاب پیامبر (ص) یا همه آنها را مصداق سابقون دانسته‌اند، باید گفت در کتب اهل سنت، در مذمت اصحاب، به آیات و روایاتی اشاره شده که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

برخی از آیات قرآن بعضی از اصحاب پیامبر (ص) را «منافق» دانسته و با این لقب آنها را مذمت کرده‌اند: «وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ» (توبه/ 101). همچنین برخی از آیات تأکید بر فاسق بودن بعضی از صحابه پیامبر (ص) دارند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُم فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات/ 6) از این رو فاسقی که خبر او قبول نمی‌شود، چگونه می‌تواند الگو و نمونه و از سابقون باشد؟! تعدادی از روایات اهل سنت نیز مؤید این مطلب است که در اصحاب نفاق وجود داشته است (ابن اثیر، 1417ق: 199/4؛ عسقلانی شافعی، 1412ق: 228/3)؛ چنانکه از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «ان فی اصحابی منافقین» (هیثمی، 1385: 252/5).

برخی آیات نیز پاره‌ای از اصحاب را با خطاب «مؤمن» یا «مسلمان» سرزنش می‌کنند (صف/ 3و2). همچنین اهل سنت در کتب خود نقل کرده‌اند که در بین صحابه کسانی بودند که به گناهای همچون زنا (بخاری جعفی، 1407ق: 2488/6)، تهمت (همان، 347/4)، شرابخواری (ابن حنبل، مسند، 476/6؛ بخاری جعفی، 1407ق: 75/5؛ 248/6؛ 196/8) و دزدی (بخاری جعفی، 1407ق: 2493/6)، قتل و زنا با هم (طبری، ابوجعفر، بی‌تا: 502/2؛ ابن اثیر، 1415ق: 359/2) و تنها قتل مرتکب شده‌اند (ابن عساکر، 1415ق: 229/4) و ... پس چه‌طور ممکن است که ایشان عادل باشند و در زمره سابقون قرار گیرند؟!

به شهادت روایات متواتر پیامبر (ص) شمار کثیری از صحابه پس از درگذشت ایشان بدعت‌گذاری نموده و مرتد می‌گردند، چنانکه سرانجامی جز آتش جهنم نخواهند داشت (بخاری جعفی، 1407ق: 7/ 208 و 209؛ نیشابوری، بی‌تا: 71-65/ 7) و طبق روایات رسول خدا (ص) فعل و قول شخص مرتد فاقد اعتبار است (ابن ماجه قزوینی، بی‌تا: 18/ 1 و 19). پس کسانی که خودشان چنین سرنوشتی دارند چگونه می‌توانند پیشوای امت و سابقون امت اسلامی باشند؟! به این ترتیب صحابه پیامبر (ص)، اعم از زن و مرد و مهاجر و انصار و ... به‌عنوان مصادیق آیه السابقون محسوب نمی‌شوند. زیرا خداوند هیچگاه همراهی اشخاص غیر معصوم را بدون هیچ‌گونه شرطی فرمان نداده است و اگر صحابه در طی طریق الهی گام برداشته و از هر گونه ظلم و گناه به‌دور باشند، این‌گونه می‌توان آنها را به‌عنوان نمونه‌های نسبی آیه «السابقون» به‌شمار آورد (نیکزاد، 1383: ذیل شرح آیه السابقون).

شبهات وارده بر مصادیق سابقون از دیدگاه مفسران امامیه

بر دیدگاه شیعه امامیه که مصداق سابقون را امام علی (ع) و امامان معصوم (ع) می‌دانند، از سوی برخی از علمای اهل سنت ایرادهایی وارد شده است. برخی گفته‌اند آیه السابقون فقط خاص امام علی (ع) نیست بلکه شامل همه صحابه (نووی، 1407ق: 150/15؛ ابن حجر عسقلانی، بی‌تا: 559/1) و یا برخی از ایشان می‌شود (ابن عطیه، 1413ق: 3/ 303)

در پاسخ به این شبهه می‌توان به نقل حدیثی از کتب عامه پرداخت: اینکه عبدالرحمن بن عوف در حدیثی ذیل آیه «السابقون الاولون» (توبه/ 100) آورده است: ده فرد از قریش بودند که اسلام آوردند و اولین آنها، علی بن ابی طالب (ع) بود.

عده‌ای معتقدند صحابه بیعت رضوان و نیز اصحاب حاضر در صلح حدیبیه، در ردیف سابقون قرار می‌گیرند (نووی، 1407ق: 150/15؛ ابن حجر عسقلانی، بی‌تا: 559/1) و بیشتر اهل سنت به آیه 18 سوره مبارکه فتح اشاره می‌کنند.

در پاسخ باید گفت این آیه مربوط به گروه خاصی است که در حدیبیه در زیر درخت با پیامبر (ص) بیعت نمودند نه همه صحابه، مگر همه صحابه برای انجام عمره همراه پیامبر (ص) در سال ششم هجرت شرکت داشته‌اند که در بیعت شجره با پیامبر (ص) بیعت کنند؟! این آیه بیانگر رضایت خداوند از همان کار خاص، یعنی بیعت با پیامبر (ص) جهت وفاداری و مقاومت است نه همه کارهای آنها. تعبیر آیه این است که خداوند از آن مؤمنین به دلیل اینکه با تو بیعت کرده‌اند راضی است. این رضایت و وعده‌ای که خداوند به آنها داده منوط به این است که عهدشکنی و بیعت‌شکنی نکنند. پس یقیناً کسانی که نقض بیعت و عهد کردند مشمول این آیه نیستند. شاهد بر این معنا، آیه دهم همین سوره است که به خوبی نشان می‌دهد وعده‌ای که در آیه 29 این سوره داده شده، وعده مشروط بوده است نه وعده تضمینی.

در استدلال تاریخی نیز همین بس که برخی صحابه، مفاد مذکور در صلح حدیبیه را قبول نداشتند و به این صلح اعتراض کردند و به مشاجره با پیامبر اسلام (ص) پرداختند (واقدی، 1409ق: 2/607؛ صنعانی، 1403: 5/339؛ ابن هشام، 1411ق: 3/317). برخی گفته‌اند شیعه به جای تمسک به آیه، به روایت تمسک جسته‌اند (دهلوی، 1301ق: 207). پاسخ اینکه ما به آیه تمسک جسته‌ایم و روایت را در شرح و تفسیر آیه آورده‌ایم، چون به صراحت، نامی از امیرالمؤمنین (ع) در قرآن نیامده است و ما با روایت، فقط استدلال می‌کنیم و شأن نزول آیه را اثبات می‌کنیم. چگونه است که اهل سنت به آیات 17 و 18 سوره لیل تمسک می‌جویند و از آن به امامت و خلافت ابی‌بکر ابن ابی‌قحافة می‌رسند؟! پس این سخن شبیه افکنان، باطل است.

عده‌ای نیز چنین شبیه افکنده‌اند که چگونه می‌توان سابق امت را یک نفر دانست در حالی که صحابه پیامبر (ص) در بیعت رضوان و جنگ‌ها و غیره زیاد بودند و همچنین از سابقون در اسلام مانند خدیجه و دیگر صحابه می‌توان نام برد؟ و در ادامه به آیات 13 و 14 سوره واقعه

اشاره می‌کنند که «ثَلَّةٌ» در «ثَلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ» بر تعداد زیاد بیش از دو نفر و «قَلِيلٌ» در «وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ» بر بیش از یک نفر دلالت می‌کند (دهلوی، 1301ق: 207). جواب این شبهه را نیز که درباره عدالت و اوضاع معنوی و عبادی صحابه است در ارزیابی احتمالات یاد شده داده‌ایم. به مقتضای آیات قرآن کریم و احادیث و طبق نظر فریقین (صدوق، 1404ق: 2/31؛ شیخ طوسی، 1414ق: 70/1؛ سیوطی، 1993م: 6/154؛ آلوسی، بی‌تا: 132/27) این آیه درباره امام علی (ع) است و این هیچ منافاتی با آیات دیگر ندارد (حسینی میلانی، 1427ق: 158/1).

نتیجه‌گیری

به این ترتیب نشان داده شد که عده‌ای معتقدند در قرآن کریم آیه‌ای که صلاحیت تفسیر «السابقون» اول را داشته باشد آیات شریفه 32 سوره فاطر و 148 سوره بقره و 61 سوره مؤمنون است که از این آیات به دست می‌آید مراد از سابقون، کسانی هستند که در خیرات سبقت می‌گیرند، و قهراً وقتی به اعمال خیر سبقت می‌گیرند، به مغفرت و رحمتی هم که در ازای آن اعمال است سبقت گرفته‌اند. برخی بر این باورند که مراد از سابقون دوم هم همان سابقون اول است و دومی به نوعی تأکید اولی است.

مصادیق «السابقون» در دیدگاه مفسران و محدثان شیعه عبارتند از: پیامبر اسلام (ص)، امام علی (ع)، پیامبران و پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع)، سه پیشگام امت‌های گوناگون (حزقیل و حبیب نجار و علی بن ابی طالب (ع)، امامان معصوم (ع)، امام علی (ع) و فرزندان ایشان (ع) و شهدا، چهارده معصوم (ع) و حضرت خدیجه (س)، نه فرزند امام حسین (ع)، حاضرین در عالم ذر، امامان معصوم (ع) و شیعیان، پیامبر اکرم (ص) و علی بن ابی طالب (ع) و جعفر بن ابی طالب و حمزه بن عبدالمطلب، صحابه و یاران پیامبر (ص) و معصومان (ع)، انبیاء (ع)، خاصان و برگزیدگان مؤمنان، سابقین تمام کارهای خیر، سبقت‌گیرندگان در نمازهای پنجگانه، اهل قرآن، سابقین در جمیع مأموریت‌های الهی و مصادیق «السابقون» در دیدگاه

مفسران و محدثان اهل سنت نیز از این قرار است: پیامبر اسلام (ص)، امام علی (ع)، سه پیشگام امم مختلف (حزقیل و حبیب نجار و علی بن ابی طالب (ع)، انبیاء (ع)، خلفای راشدین، برخی صحابه، همه صحابه، حضرت خدیجه (س) و چهار خلیفه و برخی از صحابه، اهل علم، اهل قرآن، ثابت قدم در دین، پیشتاز در اسلام از منظر فریقین، ذاکرین، نماز گزاران به دو قبله، مسلمانان قبل از هجرت، سابقین به نماز و هجرت و اسلام و جهاد، سبقت‌گیرندگان در نمازهای پنجگانه، سبقت در حیات علوم و فضایل و کمالات، شهدا و مردگان سابق.

باتوجه به مصادیق فریقین می‌توان نتیجه گرفت بیشتر ویژگی‌های ذکر شده در سابقون - حتی طبق مستندات اهل سنت - بر امام علی (ع) تطابق دارد و بسیاری از اصحاب، روایت‌های بی‌شماری را در فضایل امام علی (ع) نقل کرده‌اند. بر اساس توضیحات و تبیین‌های نوشتار حاضر، اصحاب پیامبر اسلام (ص)، اعم از زن و مرد و مهاجر و انصار و ... نمی‌توانند به عنوان مصادیق حقیقی و اکمل آیه «السابقون» تلقی شوند. چون خداوند متعال هیچگاه همراهی افراد غیرمعصوم را بدون هیچ قید و شرطی دستور نداده است و اگر اصحاب آن حضرت (ص) و نیز یاران اصحاب در مسیر تقوای الهی قدم برداشته و از هر گونه ظلم، انحراف و صفات زشت دور باشند، در این صورت می‌توان آنها را به‌عنوان مصادیق نسبی آیه «السابقون» به حساب آورد.

فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق عبدالله القاضی، بیروت: دارالکتب العلمیة، 1415ق.
3. -----، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، تحقیق عادل أحمد الرفاعی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، 1417ق.
4. ابن حجر عسقلانی، *الاصابة فی تمييز الصحابه*، تحقیق عادل عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة، 1415ق.
5. -----، *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری*، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
6. ابن حنبل، احمد بن محمد، *المسند*، بیروت: دار صادر، بی تا.
7. ابن عبد البر، أبو عمر یوسف بن عبدالله، *التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الأسانید (التمهید)*، المغرب: وزارة عموم الأوقاف و الشؤون الإسلامية، 1387ق.
8. ابن عساکر دمشقی شافعی، أبی القاسم علی بن الحسن، *تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمائل*، تحقیق محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، بیروت: دار الفکر، 1415ق.
9. ابن عطیة اندلسی، ابو محمد عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، تحقیق عبد السلام عبد الشافی محمد، لبنان: دار الکتب العلمیة، 1413ق.
10. ابن کثیر قرشی دمشقی، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالفکر، 1401ق.
11. ابن ماجة، أبو عبدالله محمد بن یزید، *سنن ابن ماجه*، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، بی جا، دار إحياء الكتب العربية، بی تا.
12. ابن مغازلی شافعی، علی بن محمد، *مناقب علی بن ابی طالب*، بی جا، انتشارات سبط النبی (ص)، 1426ق.
13. ابن هشام حمیری معافری، عبدالمملک، *السیرة النبویة*، تحقیق طه عبدالرؤف سعد، بیروت: دار الجیل، 1411ق.
14. آلوسی بغدادی، أبی الفضل شهاب الدین، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
15. بحرانی، هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: دارالتفسیر، 1417ق.

16. بخاری جعفی، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، صحیح، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، بیروت: دار ابن کثیر، 1407ق.
17. بروجردی، محمد ابراهیم، تفسیر جامع، تهران: کتابخانه صدر، 1366ق.
18. بیضاوی، ناصرالدین ابوالخیر عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، بیروت: دار الفکر، بی تا.
19. بیهقی، أحمد بن الحسین بن علی، سنن البیهقی الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، مکة المكرمة: مكتبة دار الباز، 1414ق.
20. ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره، السنن، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت: دار الفکر، 1403ق.
21. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بی تا.
22. ثعلبی نیشابوری، ابوالسحاق أحمد بن محمد، الكشف و البیان، تحقیق الإمام أبی محمد بن عاشور، مراجعة و تدقیق نظیر الساعدی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، 1422ق.
23. جرجانی، حسین بن حسن، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، تصحیح و تعلیق جلال‌الدین محدث، تهران: دانشگاه تهران، بی تا.
24. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد معروف، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق یوسف مرعشلی، بیروت: دار المعرفه، 1406 ق.
25. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، 1414ق.
26. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمدباقر محمودی، بی جا، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، بی تا.
27. حسینی، شرف‌الدین علی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العتره الطاهرة، قم: طبعه جماعة المدرسین، 1409ق.
28. حسینی میلانی، علی، تشیید المراجعات و تفنید مکابرات، بی جا، مرکز الحقائق الاسلامیه، 1427ق.
29. حقی، اسماعیل بن مصطفی، روح البیان، بیروت: دار الفکر، بی تا.

30. خازن، علاءالدین علی بن محمد، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، تصحیح محمدعلی شاهین، بیروت: الدار الکتب العلمیة، 1415ق.
31. خوارزمی، الموفق بن احمد بن محمد، *المناقب*، بی جا، مؤسسه النشر الاسلامیة، 1411ق.
32. دهلوی، شاه عبدالعزیز محدث، *تحفه اثنا عشریة*، مصر: جامعة الازهر، 1301ق.
33. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تصحیح محمدمهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، 1371.
34. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریة ، 1383ق.
35. سبزواری، محمد، *إرشاد الأذهان إلى تفسیر القرآن*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، 1419ق.
36. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن أبی بکر، *الدر المنثور*، بیروت: دارالفکر، 1993م.
37. شاه عبدالعظیمی، حسین، *تفسیر اثنی عشری*، تهران: میقات، 1363.
38. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الأمالی*، قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، 1413ق.
39. صدوق، محمد بن علی بن حسین، *عیون اخبار الرضا*، تصحیح حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه اعلمی، 1404ق.
40. صنعانی، ابوبکر عبدالرزاق بن همام، *المصنف*، تحقیق حبیب الرحمن الأعظمی، بیروت: المکتب الإسلامی، 1403ق.
41. طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة فی قم المقدسة، 1417ق.
42. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن أحمد بن ایوب، *المعجم الكبير*، تحقیق حمدی بن عبدالمجید السلفی، الموصل: مکتبة الزهراء، 1404ق.
43. طبرسی، أحمد بن علی بن أبی طالب، *الاحتجاج*، قم: دار الأسوة للطباعة و النشر، 1416ق.
44. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بی جا، دارالعلوم للتحقیق و الطباعة و النشر و التوزیع، 2005م.
45. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت: دارالفکر، 1405ق.
46. -----، *تاریخ الطبری*، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
47. طبری، محب الدین، *ریاض النظره*، بیروت: نشر دارالکتب علمیه، بی تا.
48. طوسی، شیخ ابوجعفر، *الأمالی*، قم: دارالتقافة، 1414 ق.

49. -----، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق و تصحیح احمد حبیب قصیر العاملی، بی‌جا، مکتب الإعلام اسلامی، 1409ق.
50. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعة، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، 1415ق.
51. عسقلانی شافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل، الإصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجلیل، 1412ق.
52. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین، تحقق غلامحسین مجیدی، قم: دلیل ما، 1381.
53. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر، 1415ق.
54. -----، الأصفی فی تفسیر القرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1418ق.
55. قشیری نیشابوری شافعی، أبوالقاسم عبدالکریم بن هوازن بن عبد الملک، تفسیر القشیری المسمی لطائف الإشارات، تحقیق عبداللطیف حسن عبدالرحمن، بیروت: دارالکتب العلمیة، 1420ق.
56. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح تعلیق و مقدمه سیدطیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، 1404ق.
57. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لذوی القربی، تحقیق علی بن جمال اشرف حسینی، قم: منظمة الاوقاف و الشؤون الخیریة دارالأسوة للطباعة و النشر، بی‌تا.
58. کاشانی، فتح‌الله، منهج الصادقین فی تفسیر القرآن المبین و إلزام المخالفین، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، 1336.
59. کاشانی، مولی نورالدین محمد بن مرتضی، تفسیر المعین، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، بی‌تا.
60. کاشفی، کمال‌الدین، مواهب علیه، بی‌جا، بی‌نا، 1317ق.
61. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: الإسلامیة، 1407ق.
62. کوفی، فرات بن ابراهیم، التفسیر، تحقیق محمد کاظم، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، 1410ق.
63. لاهیجی، بهاء‌الدین محمد، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: علمی، 1390.
64. مبارکفوری، محمد بن عبدالرحمان، تحفة الاحوذی بشرح جامع الترمذی، بیروت: دارالکتب العلمیة، 1410ق.

65. متقی هندی، علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*، تحقیق محمود عمر الدمیاطی، بیروت: دارالکتب العلمیة، 1419ق.
66. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، 1403ق.
67. مشهدی، محمد بن محمد رضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق حسین در گاهی، تهران: وزرات ارشاد اسلامی، 1368 .
68. مغنیه، محمدجواد، *تفسیر الکاشف*، قم: دار الکتب الاسلامی، 1424 ق.
69. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1374.
70. نسائی، أحمد بن شعیب ابوعبد الرحمن، *السنن الکبری*، تحقیق د. عبدالغفار سلیمان البنداری، بیروت: دارالکتب العلمیة، 1411ق.
71. نووی الجاوی البنتنی، محمد بن عمر التناری بلدا، *مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید*، تحقیق محمد امین الصناوی، بیروت: الدار الکتب العلمیة، 1417ق.
72. نووی، یحیی بن شرف بن مزی شافعی، *صحیح مسلم بشرح النووی*، بیروت: دارالکتب العربی، 1407ق.
73. نیشابوری، مسلم بن الحجاج ابوالحسین القشیری، *صحیح مسلم*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
74. نیکزاد، عباس، «عدالت صحابه در ترازوی تحقیق»، *رواق اندیشه*، ش 28، 1383.
75. الواقدی، محمد بن عمر بن واقد، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونس، بیروت: دارالأعلمی، 1409ق.
76. هیثمی، احمد بن حجر، *الصواعق المحرقة*، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، القاهرة: مكتبة القاهرة، 1385 ق.